

واضع الاصل، مبدع خط نستعلیق و جریان ساز فرهنگ بصری حکمت هنر ایرانی اسلامی

مهران فرجی

دانشکده حکمرانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

چکیده

واضع، خالق، مبدع و القابی از این دست، در ناخودآگاه هر انسانی یادآور ذات اقدس ایزدی و فطرت پاک الهی است. در این میان، و در گذر ایام و اعصار، انسان هایی آمده اند که با اندیشیدن و خلق یک ایده، به اصل و ماهیت آسمانی خالق یکتا، جلوه ای زمینی و ملموس بخشیده اند. دین مبین اسلام نیز برای هنرمندان خوشنویس، این بستر را فراهم نمود تا به تدبیر در صور ظاهری انواع خطوط پرداخته و در جهت مجسم و مصور ساختن کلام الهی بخت آزمایشی نمایند. خط نستعلیق نیز به عنوان زیباترین خطوط اسلامی که ملقب به عروس خطوط اسلامی است، گویا در پی سال ها تحول و تطور، سعی در نشان دادن آن جلوه های زیبای الهی و همچنین سایر مضامین والای انسانی دارد؛ این پژوهش تلاش دارد تا با پرداختن به این موضوع که آیا ابداع این شیوه از خوشنویسی تا چه میزان بر معرفی و گسترش هنر ایرانی و اسلامی موثر بوده است؟ به پاسخی روشن در نقش تبیین گری خط نستعلیق در فرهنگ و حکما هنر اسلامی بپردازد. در تحقیق پیش رو که به روش توصیفی - تحلیلی و انجام مطالعات کتابخانه ای و اسنادی به صورت ترکیبی انجام شده است، با مشاهدات صورت گرفته از تصاویر اسناد مکتوب موجود و استناد به برخی نظریه های مورخان و صاحب نظران حوزه هنرهای اسلامی و همچنین مرور احوالات و زندگی میرعلی تبریزی به عنوان مبدع خط نستعلیق، به بدیع بودن دستاورد میرعلی در قاعده مند کردن خط نستعلیق پرداخته شده است. همچنین با توجه به اینکه این خط در طول سالیان طولانی، تاثیر شگرفی بر زیبایی شناسی هنرهای اسلامی داشته است به عنوان یک جریان سازی فرهنگی در حکمت و هنر اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد.

واژه های کلیدی: خوشنویسی، خط نستعلیق، میرعلی تبریزی، واضع الاصل، جریان فرهنگی، حکمت هنر ایرانی اسلامی



۱. مقدمه

بر اساس آموزه های اسلامی و والاترین معجزه ی اسلام ، یعنی کتاب و کلام وحی ، اهمیت کتابت و نوشتار و هنر زیبا نوشتن کلام وحی ، بیش از پیش نمایان می گردد ، بی شک پایه و اساس هنر خوشنویسی و توجه دین مبین اسلام به مقوله خط و خوش نوشتن ، به آیات و مضامین صریح قرآن کریم باز می گردد . خدای تعالی تعلیم خط و نویسندگی را به خود نسبت داده و بدان بر بندگان خود منت نهاده ، و اشاره به شرافت آن فرموده است: « اَفْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ » و از نظر اهمیت و ارزشمندی سوگند به قلم و آنچه بنگارد یاد فرموده : « ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ » . [۱] جلوه شکل پذیر و حجم آفرین این کلام سحر انگیز الهی بر سراسر حیات مسلمانان پرتو افکنده و در همه آنات زندگانی وی حضور دارد، و غنایش از لحاظ بیان و گویایی با امواجی که هر دم تازه و نو می شوند و وزنی تقلید ناپذیر، بساط نامشهود محتوای آن زبان را که همانا احدیت است، تعدیل می کند.

هنر اسلامی دارای ماهیت معنوی است که نه فقط در بارزترین مظهر آن ، یعنی معماری مسجد، بلکه همچنین در عرصه های خوشنویسی ، هنر تزیینی و هنر تصویری نمایان شده است. دستاوردهای هنری مسلمانان هم از تنوع بسیار و هم از وحدت بینشی و زیبایی شناختی برخوردار است . خوشنویسی والاترین هنر اسلامی به شمار می آید ، زیرا وسیله ای برای تجسم کلام وحی است و به هنرهای دیگر صورت و معنای زیبا می بخشد. [۲]

از میان تمام خطوط اسلامی به قطع یقین می توان نستعلیق را زیباترین شیوه نگارش دانست که خواستگاه و زادگاهش ایران بوده است ، چرا که تاریخ ایران همواره مملو از آثاری می باشد که حس زیبایی شناختی ایرانیان را در صور گوناگون متجلی می نماید ، خواه از یک فرم معماری، خواه یک قالی و فرش زیبا، اما آنجا که سخن از هنر کتاب آرای می آید با گنجینه ای روبرو می شویم که نگاره های دلفریب و با ظرافتش در کنار تذهیب و خوشنویسی و مجلد سازی و سایر صنایع هنری ، مخاطبش را گویا به موزه ای پر رمز و راز هدایت می کند. در این گنجینه ی اسرار آمیز یک عنصر بصری وجود دارد که جزء لاینفک آن همه زیبایی هاست و آن خط و خوشنویسی است . از آنجایی که فاخرترین و مهم ترین هنر و جلوه ی بصری در جهان اسلام ، هنر خوشنویسی است، و کتابت قرآن، خوشنویسی نقشی همانند نقش شمایل نگاری در هنر مسیحیت دارد زیرا نمودگار جسم مرئی کلام الهی است .

با بررسی انواع کتاب آرای های باقی مانده در طول تاریخ بی شک زیباترین و نقطه ی اوج این کتاب آرای ها مکاتب هرات و تبریز اول و آثار فاخریست که از آن اعصار به جای مانده. نکته ی قابل توجه در تمامی آثار مربوط به قرون هشت تا یازده هجری ق. پختگی و تکامل یافتن خط نستعلیق و ترکیب بسیار زیبای آن با نگاره ها و تذهیب و ها و ... است .



شکل شماره ۱ - نسخه خسرو و شیرین نظامی به خط میرعلی تبریزی در موزه فریر

با یادآوری و تبیین نقش و جایگاه این هنر فاخر از یک سو و معرفی ویژگی های خط نستعلیق، حال این سوالاتی پیش می آید که محور کلیدی این پژوهش می باشد: آیا با در نظر گرفتن سیر تحول و تکامل خط نستعلیق می توان به نیت بدوی و اولیه میرعلی به عنوان خالق و مولف این خط پی برد؟ و آیا می توان ابداع خط نستعلیق را پس از گذشت چند سده به عنوان یک جریان فرهنگی معرفی نمود؟ و در صورتی که آن را یک جریان فرهنگی بنامیم آیا خوشنویسان معاصر تا چه حد باید خود را میراث دار آن بدانند و برای شناخت گذشته ی نستعلیق و انتقال مضامین فرهنگی آن به نسل های آتی تلاش نمایند؟

خوشبختانه، در سال های اخیر پژوهش ها و تالیفات گوناگونی در قالب کتاب، رساله، پایان نامه، همایش ها و کنفرانس ها در زمینه خط و خوشنویسی و به ویژه در حوزه هنر خوشنویسی نستعلیق صورت گرفته است که نتیجه ی آن ها می تواند در آگاه سازی علاقه مندان به فرهنگ و هنر اسلامی از ویژگی های بدیع این هنر کمک شایان توجهی نماید. اما نکته ی حائز اهمیت که موضوعیت این مقاله را شکل داده است، تبیین جایگاه میرعلی تبریزی به عنوان مبدع این شیوه از خوشنویسی در شکل دهی به حکمت هنر اسلامی ایرانی است.

۲. میرعلی تبریزی

میرعلی سلطانی فرزند حسن تبریزی، و به قول صاحب مجالس المؤمنین، مؤمنی فاضل صاحب توفیق، و به قول صاحب مرآه العالم، از دانایان ادب و دانش، و به قول صاحب قواعد خطوط ریحان و نستعلیق، حافظ قرآن، و به قول سلطانعلی مشهدی، شاعر بود، که گفته است:

هست تعریف او از حد بیرون

خط پاکش چو شعر او موزون

به قول سلطانعلی مشهدی:

در جمیع خطوط بود شگرف زو ستادان شنیدهام این حرف

که بعدها از ترکیب خط «نسخ» و «تعلیق» خط جدید نستعلیق را وضع کرد. غالب مورخین و تذکره نویسان نیز بر این عقیده هستند و میرعلی را «واضع» خط نستعلیق دانسته اند. جعفر بایسنقری شاگرد با واسطه ی میرعلی او را «واضع الاصل» خوانده است.

[۳]

در بسیاری از منابع تاریخی و مرجع هنری و برخی از اسناد موجود، میرعلی تبریزی را مبدع خط نستعلیق می دانند او که ملقب به «قدوه الکتاب معلی» است توسط بسیاری از محققین بدین لقب نامیده شده است. حبیب الله فضایی در اطلس خط که ضمن تحقیق در خطوط اسلامی سیر تحول و تطور خطوط را در شش دوره تقسیم بندی می نماید و نام آوران هر دوره را با ابداعات و ویژگی های آنان نام می برد و پس از ذکر پنج دوره از این مراحل که از خط کوفی آغاز و تا تثبیت قلم های ششگانه ادامه می یابد در دوره تطور ششم چنین می آورد: دوره پیدایش سه خط جدید است که در فاصله سه قرن خاصه از ایرانیان برخاسته است. این دوره از قرن ششم و هفتم شروع شد و در قرن هشتم و نهم نضج و پختگی یافتو در قرن دهم و یازدهم کمال و توسعه پیدا کرد تا به این عصر کشیده شده است و نتیجه و محصول آن تا کنون به حال خود ثابت و برقرار است. آن سه خط عبارتست از: تعلیق، نستعلیق و شکسته. (شکل شماره ۲) اما همان طور که پیش تر اشاره شد مهم ترین ابداع میرعلی، تلفیقی از خطوط «نسخ» که بیشتر مورد استفاده اعراب در کتابت قرآن کریم و «تعلیق» که توسط ایرانیان آن زمان نگاشته می شد بود. (شکل شماره ۳)



شکل شماره ۲- قسمتی از نسخه خسرو و شیرین نظامی به خط میر علی تبریزی به تاریخ ۸۰۸ هـ ق - موزه فریر



شکل شماره ۳- مقایسه بصری دو خط قدیمی نسخ (سمت راست) و تعلیق (سمت چپ) ۹

پس از اینکه خط نستعلیق سر و صورت نیکو یافت و خودنمایی کرد زیبایی منظر و سهل نویسی و سرعت آن باعث شد که با وجود رواج و رونق اقلام ششگانه، این خط در ایران جلو زند و بیش از آن ها قبول خاطر و پسند طابع قرار گیرد و روز به روز بر رونق و توسعه آن بیافزاید. از این رو بود که در مدت صد و پنجاه سال از زمان تیمور و شاهرخ و اولاد او تا ایام سلطان حسین بایقرا طوری ترقی کرد که مافوقی بر آن متصور نبود چنان که پس از وضع روشن آن خط با اینکه ایرانیان از خطوط دیگر اسلامی هم استفاده می کردند و در نوشتن قرآن و کتیبه و کتاب، اقلام سته یاقوتی را به کار می بردند، قلم مخصوص آنان نستعلیق بود. [۴]

همچنین فضائی در جایی دیگر با اشاره به ویژگی ها و خصوصیات شخصی میرعلی تبریزی او را اول کسی می داند که قلم نستعلیق را تحت قواعد آورده و او اول کسی است که نام وی به خوشنویسی نستعلیق در تواریخ و تذکره ها یاد شده است. فضایی در کتاب ارزشمند خود اطلس خط، به ویژگی های یک خوشنویس می پردازد و آداب و رفتارهای خوشنویسان را به عنوان ملزومات کار خوشنویسی بر می شمارد، لذا در ادامه که به معرفی بزرگان خوشنویسی می پردازد در معرفی میرعلی از جمله مهم ترین ویژگی های او را از ادیبان و خوشنویسان کشور در زمان امیر تیمور و شاهرخ دانسته است و او را فردی مومن، فاضل و صاحب توفیق و از دانایان ادب و دانش و حافظ قرآن می داند.

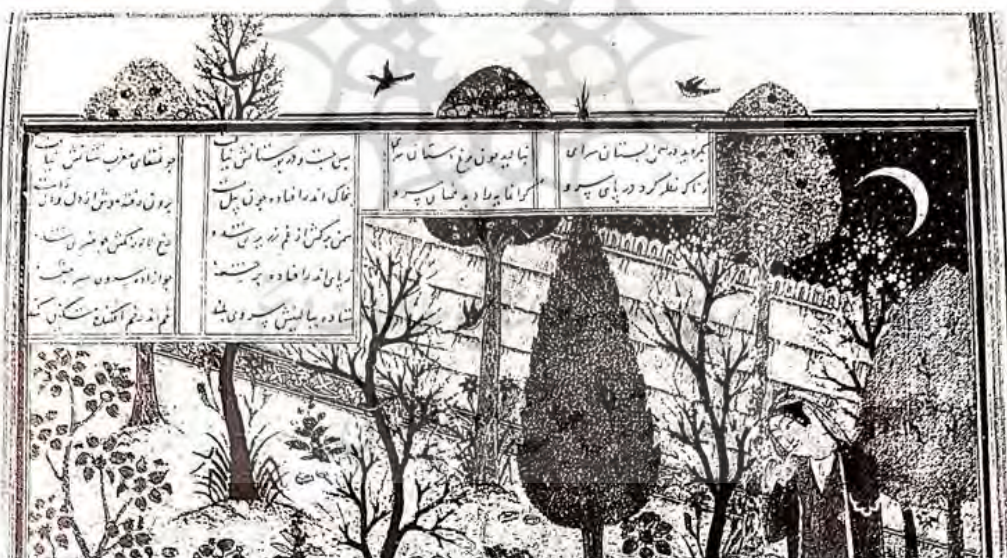
پروفسور آرتور آپهام پوپ نیز در بررسی هنر ایرانی در مجموعه نفیس سیری در هنر ایران ابداع خط نستعلیق را به میرعلی تبریزی نسبت داده و او را پارسایی متعصب می داند: «در خدمت تیمور روزگار می گذراند، لقب قبله الکتاب داشت و سرمشق خوشنویسان بود. سبکی که او آغاز کرد به دست پسرش عبدالله با افزایش جزئیاتی تکمیل شد که ابداع شیوه خوشنویسی بریده نیز بدو نسبت داده شده و خود استاد این شیوه بوده است که ویژگی شاخص و چشمگیر هنر کتاب آرای ایرانی است. [۵]

۳.۱. واضح الاصل، واضع جریان حکمت بصری هنر خوشنویسی ایرانی

در جریان گسترش شکوهمند خط نستعلیق توسط شاگردان میرعلی تبریز، شاهد آن هستیم که زیباشناسی فرهنگی نیز همراه با خط نستعلیق حرکتی پویایی دارد، همانگونه که در هنر اسلامی، جوهر عقلائی اش همواره غیرشخصی و کیفی است، عقل بیش

از هر چیز، وسیله قبول حقایق وحی شده است که نه غیر عقلانی اند و نه منحصر در اختیار عقلانیت. پس « هنر از عقل یا از علم می تراود، آنچه آن که استادان هنر اسلامی گواهی می دهند به هیچ وجه بدین معنی نیست که هنر عقلانی است و باید رشته اتصال آن با کشف و شهود روحانی قطع گردد؛ برعکس، زیرا در اینجا عقل، الهام را از کار نمی اندازد، بلکه درهای وجود خود را بر زیبایی ای فردی می گشاید». [۶]

گواه این ادعا را می توان در آثار هنری و مستندات موجود باقی مانده از این هنرمند مشاهده نمود که خوشنویسی و نستعلیق ابتدایی ابداعی میرعلی در تلفیق با نگارگری های اسلامی بر زیبایی این آثار افزوده است، در حالی که در آثار پیش از آن شاهد نوعی تراحم بصری در کتاب آرایی ها به علت عدم تطابق خط با نگاره ها بودیم. (شکل شماره ۴) با توجه به تعریف فوق از بورکهارت می توان نتیجه گرفت که بسط و گسترش هنری که هم جنبه های زیبایی دارد و هم مضامین ماورایی و الهی، شروع به جریان سازی و خود جوشی و خودزایی می کند و همچون همان کلام وحی، نسل به نسل و سینه به سینه انتقال یابد. «واضح الاصل»، این لقب زیبایی که شاگردان میر علی به شایستگی بر او نهاده اند گویا جریان واضح و خالق و مبدع بودن را به همراه ویژگی های فرهنگی و شعر و ادب و سایر هنرهای ایرانی اسلامی به نیکی ترکیب نموده و با اصولی هندسی و ریاضی وار و برگرفته از ذوق و استعداد و سلیقه ی این هنرمند در قالب هنر زیبای «نستعلیق» به جریانی فرهنگی تبدیل نموده است.



شکل شماره ۴- دیوان خواجوی کرمانی به خط میرعلی تبریزی ۷۹۸ هـ. ق.

در طول تاریخ، با بررسی خطوط اسلامی شاهد آن هستیم که بسیاری از خطوط حتی نتوانسته اند از محدوده ی جغرافیایی خود پا فراتر گذارند و از بسیاری از آن ها امروزه جز نامی و چند نمونه ی مختصر، چیزی بر جای نمانده است. این در حالی است که در زمان پیدایش خط نستعلیق، خطوط بسیار قدرتمندی در جوامع اسلامی به حیات خود ادامه می دادند و خط نوپایی همچون نستعلیق

راهی سخت و پر فراز و نشیب را در پیش داشت، چنانچه فضائی در کتاب اطلس خط خود در این باب چنین می گوید: «این خط نه تنها در سراسر ایران منتشر گردید بلکه به سرعت همه ممالک اسلامی را فراگرفت و کثرت نویسندگان و طرفداران آن سبب شد به سرزمین هند و ترکیه عثمانی و از آنجا به مصر و سایر ممالک عربی نفوذ یافته روز به روز اشاعه و توسعه پیدا کند.»

نمونه این موضوع را می توانیم در نحوه گسترش جریان فرهنگی نستعلیق توسط شاگردان میرعلی ببینیم که چگونه با دفاعی تمام قد در مقابل تمام ناملایمی های دوران ایستادند تا نستعلیق بماند و به امروز برسد، پوپ در نحوه گسترش نستعلیق با اشاره به شاگردان فرزندش عبدالله به نقش مهم آنان در تربیت تعداد زیادی از خوشنویسان می پردازد و نحوه جهانی شدن این هنر ناب ایرانی را به صورت استاد و شاگرد پیگیری میکند:

«دو شاگرد برجسته تربیت کرد: نخستین آن ها مولانا جعفر تبریزی بود که سرپرستی چهل خوشنویس را بر عهده داشت که پیوسته در خدمت بایسنقر یکی از بزرگ ترین کتاب دوستان همه اعصار، بودند (شکل شماره ۵) اما در واقع جانشین مهم تر او، دومین شاگرد، مولانا اظهر تبریز (ف ۸۸۰ ه ق) بود که به استاد استادان شهرت داشت. مولانا اظهر سیاحت گری خستگی ناپذیر بود و شیوه خوشنویسی نستعلیق را در سراسر ایران و فراتر از مرزهای آن به سوی غرب گسترش داد؛ چه او نه تنها در هرات به خوشنویسی پرداخت، بلکه از کرمان و یزد نیز دیدن کرد، زمانی دراز در اصفهان گذراند و سپس به شیراز، بغداد، بصره، مکه، دمشق، حلب و بیت المقدس رفت و در آنجا درگذشت. (شکل شماره ۶)



تصویر شماره ۵ - خط مولانا جعفر تبریزی از شاگردان عبدالله پسر میر علی



شکل شماره ۶- بخشی از نگارگری بهرام گور از کتاب هفت پیکر به خط ملاظهر تبریزی، موزه متروپولیتن

مولانا اظهر شیوه خوشنویسی خود را به پسرش محمد بن اظهر سپرد، اما شاگرد برجسته اش سلطان علی بن محمد مشهدی بود که او را چون پسر خود دوست می داشت. حامی بزرگ او سلطان حسین میرزا بود که از ۸۷۵ تا ۹۱۲ هـ ق در هرات فرمانروایی داشت و حامی بهزاد نیز بود. گفته اند که سلطنت علی در اوایل کار خود مجبور شد که از شیوه خویش در برابر ابداعات افراطی رقیب که از سوی گروهی از خوشنویسان مستقل ماورالنهر اعمال می شد دفاع کند، و البته سرانجام پیروز شد و در نتیجه سنت ناب وایه گذار خط نستعلیق یعنی میر علی تبریزی برای آیندگان محفوظ ماند. سلطان محمد نور پسر سلطان علی که او نیز در هرات خوشنویسی می کرد، جانشین بر حق پدر بود، اما خلف هنری مهم تر او زین الدین محمود مشهدی بود، چه به نوبه خود میرعلی حسینی معروف را تربیت کرد که یکی دیگر از ستاره های درخشان کهکشان فرهنگی سلطان حسین میرزا بود.

زمانی که هرات در ۹۱۳ هـ ق به دست ازبکان افتاد، سلطان علی به خدمت فاتحان در آمد و میر علی حسینی به بخارا رفت، و در خدمت سروران تازه خود به خوشنویسی پرداخت. بدین ترتیب پیروزی سبک میرعلی در ماوراءالنهر به یاری تشکیلاتی که مکتب بلافصل او در بخارا سامان داده بود، کامل شد و به دست شاگردانش مانند محمود مذهب و میر حسین معروف به میر کلنگی ادامه یافت. یکی دیگر از شاگردان میرعلی حسینی، یعنی باباشاه اصفهانی (ف حدود ۱۰۱۲ هـ ق) سنت بی واسطه خوشنویسی را به شهری انتقال داد که مقدر بود پایتخت شاه عباس گردد؛ شهری که اظهر پیشتر رمینه سازی کرده بود و بی تردید بذر هنر



خوشنویسی را در آن افشاند. باباشاه معروف به رییس الروسا هم نقاش بود و هم خوشنویس و ظاهراً رساله ای نیز در تعلیم خوشنویسی تالیف کرده بود و او بود که میرعماداستاد معروف خط تعلیق (نستعلیق) را تعلیم داد. [۷]

با این شرح دقیق از نحوه گسترش هنر اسلامی در این معنا می توان گفت که نستعلیق، محصول تمدنی است که طی چندین قرن در قلمرو وسیع اسلام شکوفان بود و سنت های هنری پایداری نیز به بار آورد. چنانکه بورکههارت در این مورد می گوید: «ذوق و قریحه هندسی که وجودش چنین قدرتمندانه در هنر اسلامی اثبات و تایید می شود مستقیماً از صورت تامل نظری که اسلام بدان عنایت و التفات دارد و انتزاعی است نه اساطیری می تراود. برای مسلمان، هنر به میزانی که زیباست، بدون داشتن الهام ذهنی و فردی، فقط دلیل و گواهی بر وجود خداست؛ زیباییش باید غیر شخصی باشد، همانند آسمان پر ستاره. در واقع هنر اسلامی به نوعی کمال می رسد که گویی از صانعش مستقل است.» [۸]

۴. نتیجه گیری و جمع بندی

خط نستعلیق را نمی توان صرفاً به عنوان یکی از شیوه های نگارش خوشنویسی نام برد، بلکه در نگاهی فراخ، آن را می توان به عنوان یک جریان فعال فرهنگی قلمداد کرد. چرا که یکی از معدود خطوطی است که از دیرباز تا کنون همواره در حال زایش و آفرینش بوده و از هر استادی نسبت به استاد دیگر رشد و تعالی بیشتر یافته است. از سوی دیگر آثار مکتوبی که امروزه نسل معاصر آن ها را به ارث برده است سرشار از مضامین اخلاقی، زیبایی ها، داستان ها و غزلیات عاشقانه و عارفانه و... است و با توجه به اینکه نستعلیق خوانش این متون و کتاب ها را برای عموم مردم در طول زمان راحت کرده بود، می توان ادعا نمود که نستعلیق نقشی غیر قابل انکار در انتقال اشعار و ادبیات کهن ایرانی به عنوان فرهنگ بومی و اصیل ایفا کرده است و از هجوم و رسوخ بیش از حد فرهنگ های مهاجم جلوگیری کرده است.

در حقیقت این جریان سازی فرهنگی توسط هنرمندی ادیب و پارسا صورت گرفت که به حق لقب واضح الاصل، را به خود گرفت، میر علی تبریزی را می توان از دو منظر به عنوان بنیان گذار جریان فرهنگی معرفی کرد، اول آنکه شیوه ای ابداع کرد که خوشنویسی را مجدداً در بین مردم رواج داد و شیوه های زیبا نگاشتن و زیبایی شناسی را از زبان هنرش گسترش داد. دوم آنکه به واسطه ی این خط بود که بخشی از فرهنگ فراموش شده و در دست انقراض و اشعار قدما دوباره نگاشته شد و سلاطین وقت ترقیب به حمایت از آن ها شدند. در نتیجه می توان گفت اگرچه شیوه نگارش میرعلی تبریزی در طول این چند سده با تغییر و تحول زیادی توأم بوده است اما اصل و ریشه ای را که وضع و بنا نهاد باعث شد که امروزه نیز میرعلی را جاری و ادامه دار بدانیم و محدود به زمان خاصی و در قفسه ای از تاریخخانه ی تاریخ قرار ندهیم.

مراجع

[۱] فضائی، حبیب الله، "تعلیم خط"، تهران، چاپ سیزدهم، انتشارات سروش ۱۳۹۳، شماره صفحه ۱۶.

[۲] پاکباز، روئین، "دایره المعارف هنر"، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۹۵، ص ۷۲۵



- [۳] سلیمانی، محسن، ”تبیین مبانی نظری خط نستعلیق در فرهنگ اسلامی ایران“ رساله جهت اخذ درجه دکترای تخصصی، رشته: تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه شاهد ۱۳۹۶، صفحه ۱۱۴
- [۴] فضائی، حبیب الله، ”اطلس خط“، تهران، چاپ اول، انتشارات سروش ۱۳۹۰، شماره صفحه ۷
- [۵] پوپ، آرتور آپهام، ”سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)“، مترجمان نجف دریابندری ... [و دیگران]، تهران انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۸۷، شماره صفحه ۱۹۸۴
- [۶] بورکهارت، تیتوس، ترجمه جلال ستاری، ”هنر مقدس“، چاپ چهارم، تهران انتشارات سروش، ۱۳۸۹، شماره صفحه ۱۳۳
- [۷] پوپ، آرتور آپهام، ”سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)“، مترجمان نجف دریابندری ... [و دیگران]، تهران انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۸۷، شماره صفحه ۱۹۸۵
- [۸] بورکهارت، تیتوس، ترجمه جلال ستاری، ”هنر مقدس“، چاپ چهارم، تهران انتشارات سروش، ۱۳۸۹، شماره صفحه ۱۵۲
- مقالات:

۱. شه کلاهی، ف، قواعد رسم الخط میرعلی تبریزی براساس نسخه خسرو و شیرین نظامی، ماهنامه باغ نظر، ۱۱۵ (۶۱) ۷۶-۶۵ / تیر ۱۳۹۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



The originator, the creator of the Nastaliq script and the streamer of the visual culture of the wisdom of Iranian Islamic art

Abstract

Author, creator, creator, and titles like this remind every human being of the holy essence of God and the pure nature of God. In the meantime, and in the passing of days and ages, there have been people who, by thinking and creating an idea, have given an earthly and concrete manifestation to the heavenly nature of the unique creator. The religion of Islam also provided this platform for calligraphers to think about the appearance of all kinds of lines and try their luck to embody and illustrate the divine word. As the most beautiful Islamic calligraphy, which is nicknamed the bride of Islamic calligraphy, it seems that after years of transformation and development, it tries to show those beautiful divine manifestations as well as other noble human themes. This research tries to address the issue of whether the invention of this method of calligraphy has been effective in the introduction and expansion of Iranian and Islamic art. To give a clear answer on the role of explaining the Nastaliq calligraphy in Islamic culture and art. In the upcoming research, which has been carried out by a descriptive-analytical method and conducting library and documentary studies in a combined manner, with observations made from the images of existing written documents and referring to some theories of historians and experts in the field of Islamic arts, as well as reviewing the circumstances. And the life of Mir Ali Tabrizi as the creator of the Nastaliq script, the originality of Mir Ali's achievement in regularizing the Nastaliq script has been discussed. Also, considering that this line has had a tremendous impact on the aesthetics of Islamic arts over the years, it is examined as a cultural flow in Islamic wisdom and art.

Key words: calligraphy, Nastaliq script, Mir Ali Tabrizi, Waqt al-Asl, cultural flow, wisdom of Iranian Islamic art